

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

یکشنبه ۰۸ سپتمبر ۲۰۲۴

ارسالی: سلیم سالم

احمد شاه مسعود و عقد معاهده آتش بس با اردوی سرخ شوروی



احمد شاه مسعود او روسی خارجی (کی. جی. بی، دگروال
رینات تیمروویچ امینوف، 1998 ز کال د جولای میاشت

تاریخ درست آن احتمالاً ۱۹۸۹ باید بوده باشد

در سال ۱۹۹۰ بین یک مامور سی آی ای و مسعود بر سر نیم ملیون دالر کشیدگی بوجود آمد او رو بطرف شوروی ها نمود، در سال ۲۰۰۴، در ۱۵ فبروری بخش پشتو بی بی سی «BBC» مصاحبه میخایل گرباچف آخرین رئیس جمهور اتحاد جماهر شوروی سوسیالیستی را پخش نمود، که در آن مصاحبه گفته شده بود، " احمدشاه مسعود برای ما کار می کرد، احمد شاه مسعود برای ما شاهراه سالنگ را باز گذاشته بود، او برای هیچ کس اجازه نمی داد که در این مناطق بر ما حمله شود او با قوای ۴۰ ما در افغانستان تحت نظر مشاورین KGB معاهده همکاری امضا نمود." این افشاگری میخایل گرباچف برای مردم ما قابل درک مکث و غور است و مردم ما در طول سالها «جنگ و مقاومت؟!» علیه قشون سرخ این همه را خوبتر درک کرده می توانند. از کتاب (جنگ ارواح) مشخص می شود که احمدشاه مسعود با شبکه های جاسوسی خارجی گوناگون حتا اسرائیل روابطی داشته و از آنها درخواست کمک نموده است. در صفحه ۱۱۸ و ۱۱۹ همین کتاب چنین آمده است " احمد شاه مسعود مصمم شد تا رو در رو در معامله داخل شود و او در سال ۱۹۸۳ در

بهار با روسها آتش بس اعلام نمود و معاهده همکاری نظامی و اطلاعاتی امضا نمود. " پرتوکولی که احمدشاه مسعود عقد نموده بود وی مکلف و مجبور بود که مواد ذیل را اجرا نماید.

۱- متوقف ساختن تمام عملیات نظامی از جانب خودش و مانع شدن حملات سایر تنظیم ها در سالنگ جنوبی و شاهراه کابل- حیرتان.

۲- به هیچ تنظیم دیگر اجازه داده نشود که در ساحات شامل معاهده عملیات نظامی نمایند و آنها را به کمک سلاح که شوروی به اختیارش میگذارد، سرکوب نماید.

۳- آنعده اتباع روسی که مفقود و یا اسیر شده بودند، راجع به آنها جمع آوری معلومات و همکاری با کی جی بی <KGB> نموده و اطلاعات به اختیار شان بگذارد و در صورت آمدن امریکایی ها و سایر غربی ها در ساحه به قوای ما خبر داده شود.

۴- خارج از ساحات معاهده احمدشاه مسعود حق عملیات نظامی را نیز ندارد تا اجازه ما نه باشد هرگونه عملیات با همکاری ما صورت میگیرد.

در آنزمان احمدشاه مسعود با گویا دشمنان مردم افغانستان یعنی با جنرالهای قوای اشغالگر از جمله به جنرال وی، ای وارینکوف و دیگران رو در رو صحبت میکرد در آنزمان به امر این جنرالها جنگ جاری بود. در آنزمان در داخل و خارج از کشور همه افغانها با یک صدا این آتش بس را بی شرمی و ترس از قوای سرخ، تسلیمی، سازش دانسته بودند، و آنرا جفا و خیانت در قبال ملت افغانستان قلمداد نمودند که به معنی تسلیمی مسعود به قوای شوروی وقت بود که ثبت تاریخ می باشد. بعد از عقد معاهده رهبران جمعیت اسلامی احساس کردند که با روسها کنار بیایند و احمدشاه مسعود قبلاً با آنها از جمله برهان الدین ربانی مشوره نموده بود.

آغاز گفت و گو و روابط مسعود با کی جی بی و جنرال های روسی از سال ۱۹۸۰ شمرد و شروع می شود. در کتاب (جنگ ارواح) که مولف آن " ستیف کول" است در صفحه ۴۳۰ نوشته شده است) اکثریت دیپلماتان امریکایی به مسعود منیحت یک قوت مصرفی نگاه میکردند که بوی آغشته شدن معامله ایجاد دالان اسلحه و معامله وی به ایران و از درک فروش هیروئن و مواد مخدره و سنگ زمرد مفاد بدست می آورد.)

همچنان در همین کتاب بعد از صفحه ۵۱۶ چنین آمده است، ریچارد کلارک مامور استخباراتی امریکا، (Richard Clark of the CIA counter Terrorism) می گوید (ائتلاف شمال همچو تشکیلی ندارد که داد و گرفت به آنها شود، آنها صادر کنندگان مواد مخدر و سنگهای قیمتی اند، آنها حقوق بشر را زیر پا نموده اند، همچنان آنها از یک بخش کوچک

سر بلند نموده اند که قابلیت و توانمندی ندارند که یک حکومت ملی و مردمی را تشکیل بدهند و در میان مردم خود منفور بوده و توسط مصرف پول خود را " ما " ساختند. همچنان در کتاب اوریگن آمده است (در بین سالها ۱۹۹۲ و ۱۹۹۵ احمدشاه مسعود با استفاده از شرکت آریانا افغان برای جنگجویان سومالیا و تاملیل های جنوب هند اسلحه قاچاق غنیمت گرفته شده از رژیم داکتر نجیب الله به ارزش دو میلیارد دالر نموده که در بین این اسلحه راکت نوع ستینگر نیز شامل بود، مسعود از درک این قاچاق هشتاد میلیون دالر از اسامه بن لادن بدست آورد و با او نیز رابطه فروش سلاح ایجاد نمود، در سال ۱۹۹۳ این اسلحه به ضد امریکایی ها بکار برده شد. برای معلومات بیشتر تان به کتاب اوریگن سال ۱۹۹۸ صفحه ۸۷ دیده شود.

Afghanistan, Ending the Reign of soviet Terror, Oregon, . . ۱۹۹۸, page ۸۷
for additional details.

از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۱ مسعود از شبکه های مختلف جاسوسی بطور مخفی صدها میلیون دالر بدست آورد و او به هر کس معاهده عقد می نمود حتی با موساد دستگاه استخبارات اسرائیل. در این مورد در روزنامه واشنگتن پست سال ۲۰۰۴ در دوم فیبروری در یک مقاله چنین گفته شده، " در سال ۱۹۹۰ بین یک مامور سی آی ای و مسعود بر سر نیم میلیون دالر کشیدگی بوجود آمد، این مامور که گیری شیرون نام دارد، در اسلام آباد در باره افغانستان کار می کرد، وی این مبلغ را برای برادر مسعود احمد ضیا مسعود سپرده و خواهان حملات قوای مسعود بالای قوای امنیتی کابل در شاهرگ سالنگ شده بود که مسعود به بهانه آب و هوا از عملیات نظامی خودداری نمود، این مامور امریکایی می گوید که به داره ماری، و فریب این مبلغ را حصول نمودند و احمدشاه مسعود به صورت کل از حصول نیم میلیون دالر منکر شد. در این روزنامه سوالی طرح شده که چی عوامل باعث خواهد شد که بالای اینها امریکا، منیحت یک متحد باور کند و دل ببندد؟ باریس گروموف در سال ۱۹۹۴ در کتاب خود بنام (قطعات محدود) که در مسکو چاپ شده چنین گفته است "ما ترس داشتیم که احمدشاه مسعود به نفع خود از معاهده استفاده نماید، لیکن وی براساس مواد معاهده صادقانه و بدون انحراف و بهتر از دوستان ما در قدرت حاکمه در کابل کار کرد و تا ۱۹۸۹ که آخرین سرباز ما از افغانستان خارج شد برای ما کدام مزاحمت از طرف وی و قوای مربوط به وی خلق نشد و بعد از آن نیز دوست و همکار صادق ما بود و هم در سقوط رژیم داکتر نجیب الله او را انتخاب و کمک نمودیم."